خبر

رگبار شدید باران در ۲۴ استان و احتمال وقوع سیلاب

ایسنا: سازمان هواشناسی نسبت به وقوع رگبار شدید باران و رعدوبرق در ۲۴ استان و احتمال وقوع سیلاب هشدار داد.

سازمان هواشناسی با صدور هشدار نارنجی‌رنگ با اشاره به تشدید فعالیت سامانه بارشی آورده است: وقوع رگبار شدید باران، رعدوبرق، وزش باد شدید، در برخی نقاط گردوخاک و رخداد تگرگ امروز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت در کرمانشاه، ایلام، خوزستان، لرستان، غرب همدان، جنوب مرکزی، کهگیلویه‌وبویراحمد، چهارمحال‌وبختیاری، جنوب و غرب اصفهان، نیمه جنوبی فارس و بوشهر، پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت در خوزستان، لرستان، نیمه غربی کردستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه‌وبویراحمد، چهارمحال‌وبختیاری، اصفهان، بوشهر، فارس، هرمزگان، نیمه غربی کرمان، یزد و جنوب مرکزی و جمعه ۱۴ اردیبهشت در اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، زنجان، کرمانشاه، لرستان، ایلام، خوزستان، همدان، مرکزی، اصفهان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، نیمه غربی سمنان و ارتفاعات و دامنه استان‌های البرز و تهران پیش‌بینی می‌شود. در این شرایط جوی، لغزندگی جاده‌ها، آبگرفتگی معابر، جاری‌شدن روان‌آب، سیلابی‌شدن مسیل‌ها، طغیان رودخانه‌های فصلی، صاعقه، رخداد تگرگ، خسارت به سازه‌های موقت ازجمله بنرها، داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی و اختلال در ناوگان حمل‌ونقل، در مناطق مستعد خیزش گردوخاک محلی، در نواحی کوهستانی احتمال سقوط سنگ و خسارت به محصولات زراعی و باغی دور از انتظار نیست. سازمان هواشناسی نسبت به احتیاط در سفرهای بین‌شهری، عدم اتراق در حاشیه و بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها، پرهیز از فعالیت‌های کوهنوردی، خودداری از چرای دام و تردد عشایر در حاشیه رودخانه‌ها و نواحی مرتفع، اطمینان از استحکام سازه‌های موقت، لایروبی کانال‌ها و آب‌روها، با توجه به احتمال رخداد تگرگ، اتخاذ تمهیدات لازم جهت جلوگیری از خسارت به بخش کشاورزی ازجمله حمل سریع محصولات قابل برداشت به نواحی امن، محافظت از دپوهای گندم و غلات برداشت‌شده در برابر بارش توصیه می‌کند. سازمان هواشناسی با صدور هشدار نارنجی‌رنگ دیگری آورده است: وزش باد شدید با بیشینه سرعت ۳۲ نات و بیشینه ارتفاع موج در مناطق ساحلی یک تا دو متر و در مناطق دور از ساحل بیش از دو متر در مناطق ساحلی و دور از ساحل استان‌های خوزستان و بوشهر در خلیج فارس، چهارشنبه در مناطق ساحلی و دور از ساحل استان‌های بوشهر و هرمزگان در خلیج فارس و پنجشنبه در شرق خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان پیش‌بینی می‌شود. بر اثر این مخاطره جوی اختلال در ترددها و فعالیت دریایی به‌ویژه تردد شناورهای سبک و قایق‌های صیادی و تفریحی، خطر غرق‌شدن شناورها به‌ویژه شناورهای سبک و نیمه‌سنگین و خطر غرق‌شدن شناگران در مناطق تحت تاثیر وجود دارد. به توصیه سازمان هواشناسی، اجتناب از ترددهای دریایی به‌ویژه تردد شناورهای سبک و قایق‌های صیادی و تفریحی در مناطق تحت تاثیر، ممنوعیت شنا و اتخاذ تمهیدات لازم جهت پیشگیری از هرگونه خسارت احتمالی در دستور کار قرار گیرد. سازمان هواشناسی با صدور هشدار زردرنگ، با اشاره به تداوم فعالیت سامانه بارشی به همراه ناپایداری‌های محلی در برخی استان‌ها، آورده است: وقوع رگبار باران، رعدوبرق، وزش باد شدید، در برخی نقاط گردوخاک و احتمال تگرگ در خوزستان، لرستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، چهارمحال‌وبختیاری، نیمه غربی کردستان، جنوب غرب آذربایجان غربی، شمال غرب فارس و غرب اصفهان، چهارشنبه در جنوب آذربایجان غربی، کردستان، همدان، نیمه جنوبی مرکزی، نیمه غربی اصفهان، فارس، نیمه غربی کرمان، غرب و شمال هرمزگان و نیمه غربی یزد و پنجشنبه در آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، اصفهان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، تهران، قم، قزوین، همدان، زنجان و مرکزی پیش‌بینی می‌شود. حاکمیت این شرایط جوی جمعه در تهران، البرز، قزوین، سمنان، قم، خراسان شمالی، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، یزد، فارس، بوشهر، کهگیلویه‌وبویراحمد، چهارمحال‌وبختیاری، گیلان، مازندران و گلستان و شنبه در اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، خوزستان، غرب اصفهان، چهارمحال‌وبختیاری، کهگیلویه‌وبویراحمد، مرکزی، سمنان، تهران، البرز، قزوین و زنجان دور از انتظار نیست. در این وضعیت آب‌وهوایی احتمال آبگرفتگی معابر، احتمال جاری‌شدن روان‌آب، احتمال تگرگ، وزش باد نسبتا شدید، لغزندگی و کاهش دید به‌ویژه در جاده‌های کوهستانی و گردنه‌ها، احتمال خسارت به سازه‌های موقت، احتمال خسارت به نهال، درختان آسیب‌پذیر و محصولات باغی و زراعی وجود دارد. سازمان هواشناسی نسبت به احتیاط در سفرهای بین‌شهری، عدم اتراق در حاشیه و بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها، احتیاط در فعالیت‌های کوهنوردی، خودداری از چرای دام و تردد عشایر در حاشیه رودخانه‌ها و نواحی مرتفع، اطمینان از استحکام سازه‌های موقت، لایروبی کانال‌ها و آب‌روها، با توجه به احتمال رخداد تگرگ اتخاذ تمهیدات لازم جهت جلوگیری از خسارت به بخش کشاورزی، محافظت از دپوهای گندم و غلات برداشت‌شده در برابر بارش توصیه می‌کند. در هشدار نارنجی‌رنگ سازمان هواشناسی پیش‌بینی می‌شود پدیده‌ای جوی اثرات منفی به دنبال داشته باشد و خسارت‌های احتمالی را سبب شود. هشدار نارنجی برای آماده‌باش دستگاه‌های مسئول برای مقابله با یک پدیده خسارت‌زا صادر می‌شود. هشدار زردرنگ به معنای آن است که پدیده‌ای جوی رخ خواهد داد که ممکن است در سفرها و انجام کارهای روزمره اختلالاتی را ایجاد کند. این هشدار برای آگاهی مردم صادر می‌شود تا بتوانند آمادگی لازم را برای مواجهه با پدیده‌ای جوی داشته باشند که از حالت معمول کمی شدت بیشتری دارد. از سوی دیگر مسئولان نیز در جریان این هشدارها قرار می‌گیرند تا اگر لازم باشد تمهیداتی را بیندیشند.

آگهی مناقصه عمومی

زرین ذرت

شرکت زرین ذرت شاهرود قصد خرید یک دستگاه دیگ بخار ماشین سازی اراک با خصوصیات فنی من جمله (ظرفیت ۳۵۰۰۰ پوندی، فشار کاری ۱۰ بار، شیر آلات اشتعال اراک، مشعل اشتعال اراک، تابلو برق آنالوگ، خط گاز مادالس ایتالیا، هزینه نصب و راه اندازی) جهت خط تولید کارخانه را از طریق برگزاری مناقصه دارد، لذا از متقاضیان دعوت بعمل می آورد پیشنهادات خود را ظرف مدت ۷ روز از تاریخ چاپ آگهی به آدرس ذیل ارسال و جهت کسب اطلاعات بیشتر و اطلاع با شماره ۰۹۱۴۱۸۰۵۷۹۱ تماس حاصل نمایند.

بدیهی است پس از وصول پیشنهادات با حضور اعضاء کمیته مناقصه ، یکی از پیشنهاد دهندگانی که براساس نظر کمیته فنی و بازرگانی ، امتیاز بالاتری کسب نموده باشد ، به عنوان برنده انتخاب می شود.

آدرس : استان سمنان شهرستان شاهرود انتهای بلوار ۱۲ فروردین شرکت زرین ذرت شاهرود

شماره تلفن : ۰۲۳-۳۲۲۷۰۵۰۰-۷

آدرس سایت : info@zarinzorat.com

مجموعه یادداشت‌هایی از معلم‌ها و فعالان صنفی فرهنگی به مناسبت روز معلم

معلمی؛ حرفه‌ای که دیگر جذاب نیست!

شرق: ۱۲ اردیبهشت در ایران روز معلم است؛ حرفه‌ای که در سال‌های اخیر مانند بسیاری از صنف‌های دیگر با چالش‌های زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از مشکلات معیشتی گرفته تا برخورد با اعتراضات و سخت‌گیری‌های شدید در استخدام نیروهای جدید. به مناسبت این روز چند معلم و فعال صنفی فرهنگی در یادداشت‌هایی از حال و روز این روزهای معلم‌ها برای «شرق» نوشتند.

معلم و تعارض‌های هویتی دانش‌آموز

عبدالجلیل کریم‌پور

با تمرکز بر معنی هویت که شناخت همه‌جانبه از خود را در بر می‌گیرد، اینکه دانش‌آموز چه تعریفی از هویت خویش دارد؟ و مدرسه و معلم در شکل‌گیری هویت اجتماعی او تا چه اندازه موفق بوده؟ پرسش‌هایی است که پاسخ آنها می‌تواند جایگاه نظام آموزشی را به‌عنوان متولی اصلی این مهم، بررسی کند.

آنچه در همین ابتدا می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت، برای اجتماعی‌شدن فرد به آن توجه کرد، محتوا و نگاه و نگرش حاکم بر کلاس درس است که قسمتی از وقت دانش‌آموز را به خود اختصاص می‌دهد.

معلم در این مجموعه، در قالبی قرار می‌گیرد که ایدئولوژی به آن چسبیده و گاه خود و حتی دانش‌آموزش نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. دانش‌آموز درگیر تعارضی جدی بین آنچه در جامعه می‌بیند و آنچه در کتابش می‌خواند، می‌شود و معلم هم درگیر چارچوب‌هایی که برایش در قالب محتوای درسی تعیین می‌کنند؛ که نتیجه‌اش دوگانگی رفتار دانش‌آموز در محیط مدرسه و خارج از آن می‌شود.

معلم چندی است که کاریزمایش را به همت سیستم آموزشی از دست داده است. اقتدارش به دلیل مقایسه‌ای که با اقشار مختلف اجتماعی می‌شود، دچار خدشه شده است و دانش‌آموز خلأ حضور این اقتدار را خارج از محیط آموزشی جست‌وجو می‌کند. محتوا متناسب با آنچه فناوری جدید درگیر آن است، پیش نمی‌رود و دانش‌آموز هویتش را خارج از محتوای آموزشی شکل می‌دهد و اسیر ایسم‌های مختلف می‌شود. دیگر هم‌راستا با کلیشه‌ها پیش نمی‌رود و حتی تعارض‌های هویتی هم او را خسته و ناراحت نمی‌کند. معلم هم شوربختانه فقط در همان قالب خواسته‌شده مجبور است ارائه نظر کند و راهکار بدهد. نسل جدید هم دیگر آن مفاهیم را نمی‌پسندد. صراحت رفتار و لهجه پیدا کرده است و هیچ توجیهی او را آرام نمی‌کند. این هویت‌های به‌وجودآمده، ارزش‌های خودش را دنبال می‌کند و به کسی هم پاسخ‌گو نیست.

برای همین است که باید برای برون‌رفت از این وضعیت، چاره‌هایی اندیشید؛ چاره‌هایی محتوایی با اعتماد و مهر و فارغ از هرگونه نگاه یک‌جانبه و خشونت‌بار که پیامدی منفی و ناکارا به همراه دارد. باید مطالعه و پژوهش‌هایی متناسب با اندیشه و منش جوان نسل جدید انجام گیرد و رفتار و اندیشه گروه‌های مختلف این مجموعه مورد توجه قرار گیرد تا نتیجه‌ای جامع را به همراه داشته باشد. باید به نوجوان و جوان فرصت حضور در تصمیماتی را که برای آنها گرفته می‌شود، داد تا نتیجه، متناسب با خواسته‌های گروه‌های مختلف آنها شود. اگر دانش‌آموز به گونه‌ای عملی، آزادمنشی و رفتارهای مدرن را تجربه کند و تمرین‌هایی متناسب با آن را ملاک رفتار خویش قرار دهد، می‌شود امیدوار شد که می‌توان جوان را منطقی‌تر به سمتی که می‌خواهد، رهنمون کرد و از تعارضاتی که درگیر آن است، جلوگیری کرد.

دنیای جدید و برخی مشکلات معلمی در ایران

فروغ تیموریان

معلم به‌عنوان محور اجرای سند تحول و موتور محرکه رشد و پیشرفت کشور جایگاهی رفیع و ممتاز دارد و براساس آیات قرآن و روایات مورد احترام و شایسته تکریم و قدردانی است. راه توسعه همه‌جانبه و پایدار و حتی امنیت کشوری و لشکری از طریق آموزش و پرورش پویا و کارآمد میسر است؛ ولی ای کاش مسئولان آموزش و پرورش و دولتمردان دست از شعار و وعده و وعیدها بردارند و در عمل، آموزش و پرورش و مسائل و مشکلات معلمان در اولویت قرار گیرد.

حتما همه معلمان در این زمان و در قرن بیست‌ویکم وقتی به‌عنوان یک معلم در کلاس درس و در بین دانش‌آموزان از مقطع ابتدایی گرفته تا بالاتر می‌روند، متوجه تغییر و تحول بزرگی که از نظر فرهنگی در قشر دانش‌آموز و خانواده‌های آنان اتفاق افتاده، خواهند شد. دانش‌آموز امروز آگاه و به‌روز است، مطالبه‌گر است و هر حرف یا مطلبی را بدون دلیل و برهان نمی‌پذیرد. به دنبال گفت‌وگو و چالش است، در دنیای مدرن به سر می‌برد، با تمام دنیا ارتباط دارد، در دهکده جهانی زندگی می‌کند و فاصله زمانی و مکانی خبرها را در کوتاه‌ترین زمان از دورترین مکان‌ها دریافت می‌کند. به انواع اپلیکیشن‌ها و ربات‌ها دسترسی دارد، استفاده از هوش مصنوعی به جای معلم و پاسخ به سؤالاتش، کارش را راحت کرده است و با پدیده‌ها با رویکردی جدید برخورد می‌کند. بحران‌های معنوی‌اش را پشت سر می‌گذارد و نیازی به توضیحات ساده و متعصبانه معلم نمی‌بیند. به حرف منِ معلم در کلاس توجهی نمی‌کند... . توجیهات خودش را دارد و گاهی طرف گفت‌وگوی معلمش نمی‌شود؛ چون احساس می‌کند شاید بیشتر از معلم نداند؛ اما اندازه او می‌فهمد و... .

اینها را گفتم تا مشخص کنم که امروز منِ معلم با چه نسلی در ارتباط هستم و مخاطب من چه کسی است.

منِ معلم چه دارم برای مطرح‌کردن خویش؛ معلمی که از طرف نهاد مربوط به خودش؛ یعنی آموزش و پرورش و متولیان این مجموعه، حمایت نمی‌شود و هزار و یک دغدغه دارد. چطور می‌تواند پابه‌پای این نسل حرکت کند؟ دانش‌آموز امروز ظاهر آراسته و تمیز و زیبای معلم برایش اولویت است و این اولویت‌دادن اشتباه هم نیست. در تمام دنیا این امر یکی از اصول آموزش بصری است؛ ولی کدام معلم با درآمد و حقوق اندک خود می‌تواند به سر و وضعش برسد یا از لباس‌های مناسب، نه برند یا گران استفاده کند؟ یا فرصت مطالعه و پربارکردن اندوخته‌هایش را دارد؟ بس که باید بدود تا ساده‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای زندگی‌اش را برآورده کند! دیگر چه رمقی از نظر جسمی و روحی برایش باقی می‌ماند؟

وقتی معلم شاهد درآمدهای نجومی و امکاناتی است که در رده‌های بالای آموزش و پرورش یا مشاغل دیگر هست و شدت تبعیض و نبود عدالت را در درآمد خودش و دیگران می‌بیند، چه انگیزه‌ای برای رفتن به کلاس درس دارد؟ یا چگونه و با چه زبانی می‌تواند دانش‌آموزش را ترغیب به شرکت در آزمون فرهنگیان و معلم‌شدن کند؟ آیا زمان آن نرسیده که به مشکلات معلمان به شکل جدی و محکم رسیدگی شود؟ آیا آموزش و پرورش و وزیرانی که یکی پس از دیگری کرسی وزارت را به یکدیگر تحویل می‌دهند، نمی‌توانند دست از رفتارها و گفتارهای شعارگونه بردارند و به طور جدی به دنبال مطالبات معلمان خود باشند؟ بازنشستگان چه؟ مجموعه‌ای که هم‌اکنون معلمان بسیاری از مدرسه‌ها را تشکیل می‌دهند؟

به نظر می‌رسد که هر سال در آستانه روز معلم آموزش و پرورش به تکه‌کاغذی به نام تقدیرنامه اکتفا می‌کند و جایزه مختصری به معلمان نمونه می‌دهد و تا سال دیگر می‌رود به دیار فراموشی!

خسته شدیم بس که گفتیم و کسی به فریادمان نرسید... . به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را؟!

از عرش تا فرش

نسرین محمدباقری

در ایران علاوه بر روز جهانی معلم، در تقویم رسمی ۱۲ اردیبهشت به‌عنوان روز معلم نام‌گذاری شده است که آغاز هفته‌ای به همین نام است تا فرصت بیشتری برای ارج‌نهادن و قدردانی از زحمات آموزگاران فراهم شود. ظاهر امر زیباست. در این هفته مسئولان از قداست شغل معلمی و ارزش معنوی کار، سخنان زیبایی می‌گویند؛ از تلاش‌های بی‌وقفه خود در راستای حل مشکلات مادی و معنوی معلم‌ها و برنامه‌های پیچیده و مبهم پیش‌رو که شاید خودشان نیز به آن واقف نباشند، داد سخن سر می‌دهند. وعده و وعید بسیار می‌دهند... که گویا همه اینها در راستای تکریم روزافزون مقام معلمی است! اما واقعیت آن است که آموزش و معلم دغدغه هیچ دولتی نبوده و نیست.

کاش مسئولان محترم باور کنند که مشکلات معلمان فراتر از بحث معیشتی و پرداخت معوقات است. سال‌ها حقوق و رتبه‌بندی معلمان سرتیتر اخبار شد. بزرگ‌نمایی مشکلات معیشتی (که همواره باقی خواهد ماند) نسبت معکوس با اعتبار و منزلت و جایگاه فرهنگیان داشت و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اعتبار حرفه معلمی وارد کرد. روزگاری نه‌چندان دور معلم در جامعه ارج و قرب و جایگاه خوبی داشت؛ اما امروز نگاه جامعه به معلم نگاهی از سر ترحم است! قشری با بضاعت کم مالی که همواره مظلوم و معترض است و توانایی گرفتن حق و حقوق خود را ندارد! معلمی که قرار بود نسل آگاه و آینده‌ساز تربیت کند، در حل مشکلات زندگی روزمره خود مانده است. با چنین نگرشی، معلم نزد دانش‌آموزان خود چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟

علاوه بر خدشه‌دارشدن منزلت اجتماعی و حیثیت حرفه‌ای، معلمان همواره با مشکلات شغلی بسیاری مواجه بوده و هستند. تناسب‌نداشتن حجم کتاب‌ها و میزان ساعت آموزشی دغدغه بزرگی است که همواره معلمان به‌ویژه دبیران علوم پایه، با آن مواجه هستند و اعتراض‌شان بی‌ثمر بوده است. بخش‌نامه‌ها و مقررات و قوانین دست‌وپاگیر و بایدها و نبایدهای بسیار، همراه با نگاه از بالا به پایین و تهدیدآمیز و تحقیرآمیز با اعصاب و روان ما معلمان بازی می‌کند. به طور خلاصه، هرچه جلوتر می‌رویم، رویه قوانین آموزش و پرورش، سخت‌گیری با معلم و مدارا با دانش‌آموز شده است! به طور مثال در دسته‌گل تازه آموزش و پرورش یعنی برگزاری امتحانات شبه‌نهایی، در نهایت رأفت و مهربانی در بخش‌نامه آمده است که حضور دانش‌آموز در امتحانات اختیاری است! و تنها برای کم‌شدن استرس امتحانات نهایی است؛ ولی معلمان باید هرچه سریع‌تر برگه‌ها را تصحیح کرده و به تحلیل آزمون بپردازند.

برای معلم چیزی به‌عنوان مرخصی تعریف نشده و در بدترین شرایط به جای خود، باید جایگزین تعیین کند؛ اما دانش‌آموزان برای غیبت آزادی عمل دارند و هیچ برخورد قاطعی با آنان نمی‌شود.

جالب آن است که در روزهای پایانی سال و بین تعطیلی‌ها، مدارس در اختیار دانش‌آموزان است و مشکلی در انضباط آنها پیش نمی‌آید ولی حضور معلمِ در مدرسه خالی از دانش‌آموز، اجباری است! و اما بحث آموزش! بزرگ‌ترین دغدغه معلم‌ها و رنجی که می‌برند عدم عدالت آموزشی است. آموزش سال‌هاست که مهجور مانده است و بی‌عدالتی آموزشی بیداد می‌کند. آموزش کالایی شده است که هرچقدر بیشتر پرداخت کنی، خدمات و آموزش بهتری دریافت می‌کنی! اختلاف طبقاتی و مشکلات اقتصادی فراوان، خصوصا در قشر متوسط و کم‌برخوردار، سبب شده است که درس دیگر اولویت دانش‌آموزان نباشد و بچه‌ها به دنبال کسب درآمد باشند. در گذشته‌ای نزدیک، خانواده‌ها تنها راه موفقیت بچه‌های خود را در ادامه تحصیل می‌دیدند اما امروز ترجیح می‌دهند فرزندانشان در پی کسب مهارت باشند. وجود خیل عظیمی از بی‌کاران تحصیل کرده سبب بی‌انگیزگی بچه‌ها و بی‌رغبتی به تحصیلات دانشگاهی شده است. آمار کم، خصوصا پسران شرکت‌کننده در کنکور، مؤید این مطلب است.

عکس: زهرا مهدی‌زاده

باید پذیرفت محتوای آموزشی و شیوه تدریس ۳۰ سال قبل، برای نسل امروز کارایی ندارد. متأسفانه حال مدارس ما خوب نیست. دانش‌آموزان امروز معضلات بزرگی دارند. مصرف سیگار و مواد مخدر و... به مدارس دخترانه هم رسیده است! دیدن دانش‌آموزان بی‌انگیزه و افسرده با مشکلات فراوان برای ما معلمان دردآور است.

همه این عوامل ذوق و شوق معلمی را از بین برده و نه‌تنها معلمان با سابقه که بسیاری از نیروهای جوان نیز به دنبال راهی برای فرار از این سیستم هستند!

آقای وزیر! ما معلم‌ها نیازی به روز و هفته و قدردانی (که با داستان‌های خفت‌بار پشت صحنه بسیار همراه است) نداریم. اصلا برای ما کاری نکنید. بچه‌های ایران را دریابید، که فردا دیر است... .

دردهای تکراری

محمدرضا نیک‌نژاد

چند روزی از آغاز سال آموزشی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ نگذشته بود که جامعه با خبرِ تکان‌دهنده کمبود ۲۰۰ هزار معلم روبه‌رو شد؛ اگرچه این خبر برای کسانی که رویدادهای آموزش‌وپرورش را دنبال می‌کنند، خبری تازه و شگفت‌آور نبود! در دو دهه گذشته افسانه زیادبودن کارکنان آموزش‌وپرورش و از آن افسانه‌تر نیاز این نهاد به تعدیل نیرو در راستای ساماندهی بهتر، لقلقه زبانِ دست‌اندرکاران آموزشی و دولتی بوده است. این نگاهِ غیرکارشناسانه، غیرآموزشی، ساده‌انگارانه و آلوده به دیدگاه‌های بازاری، با روند بازنشستگی نیروها از سویی و کاهش ورودی دانشگاه فرهنگیان از دیگر سو و البته خساست در جذب نیروهای داوطلب، گام‌به‌گام نهاد آموزش را به سوی گردابه آسیب‌زا و خطرخیز کمبود معلم راند. اگرچه این سیاست ضربه‌ای کارا به جذب نیرو در آموزش‌وپرورش بود اما تنها ضربه به معلم و معلمی نبود!

درحالی‌که در بیش از یک دهه گذشته آرام‌آرام جمعیت دانش‌آموزی کشور افزایش می‌یافت، سیاست کاهش نیرو از سویی و جلوگیری از گسترش مدرسه و کلاس از دیگر سو، تراکم کلاس‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ را افزایش داد و فشارِ کاری بر معلمان را طاقت‌فرساتر می‌کرد. این افزایش فشارِ کاری، در کنار بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به دلیل از رونق افتادن بازار درس و دانشگاه در چشم و دلِ بسیاری از نوآموزان و خانواده‌ها، تغییر نگاه جامعه از تلاش برای گرفتن مدرک، به دستیابی به مهارت‌های فردی و اجتماعی، کاهش ساعت‌های درسی، بدون تغییر حجم کتاب‌ها و جایگزینی آنها، فشارهای اداری و سازمانی برای پیروی از ساختار صلب و متمرکز آموزشی و خدشه‌دارشدن شدید استقلال حرفه‌ای معلمان، پررنگ‌شدن ارزیابی‌های کمی و معدل‌محور و ناتوانی مدرسه‌ها و معلمان برای برآورده‌کردن خواسته‌های دانش‌آموزان و خانواده‌ها در این زمینه، و شاید از همه اینها مهم‌تر کاهش سال‌به‌سال قدرتِ خرید معلمان و قرارگرفتن این قشر، زیر خط فقر، معلمان شاغل را دلزده و جوانان را از این حرفه گریزان کرده و می‌کند. امروز و به گواه آمار و ارقام خط فقر کشوری بیش از ۳۰ میلیون است و میانگین دریافتی معلمان حتی پس از رتبه‌بندی، نزدیک به ۱۵ میلیون است. ازاین‌رو نباید شگفت‌زده شد که به گزارش یکی از روزنامه‌های کشور، در آزمون استخدامی آموزش‌وپرورش در ۱۴۰۲، فقط در تهران با کمبودِ نزدیک به دوهزار داوطلب مرد و در سراسر کشور با ۱۱ هزار جای خالی داوطلب معلمی روبه‌رو بوده‌ایم.

با این فشارِ کاریِ روزافزون و نبود درآمدی درخور برای یک زندگی متوسط، جوانان دیگر انگیزه‌ای برای معلم‌شدن ندارند. شوربختانه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای نیز برای بهترشدن شرایط اقتصادی کشور در کل و وضعیت معیشتی و حرفه‌ای معلمان به شکل ویژه دیده نمی‌شود. در همین یکی، دو روز گذشته نیز خبرها از کاهش باورنکردنی بودجه عمومی کشور در سال ۱۴۰۳ و به دنبال آن ناکارآمدترشدن بودجه آموزشی حکایت می‌کند.

یونسکو در روز جهانی معلم ۲۰۲۳، شعار خود را «چاره‌جویی برای رویارویی با کمبود معلم» برگزید و راهکارهایی برای بازگشت انگیزه به معلمان شاغل و جوانانِ جویای شغل به دولت‌ها و نهادهای مدنی ارائه داد که پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران آموزشی که همچنان در پی بهبود شرایط آموزشی کشور هستند آن راهکارها را بخوانند. اما با توجه به رویکرد نه‌چندان متعهدانه کابره‌دستان آموزشی و فرآآموزشی به وضعیت کنونی آموزش‌وپرورش، نگارنده و بسیاری از همکاران معلمش تنها راه بهبود آموزش، به عنوان حقی انسانی، ملی و شهروندی، را پیوند خواسته‌های ذی‌نفعان آموزش، از دانش‌آموزان و خانواده‌ها گرفته تا معلمان، می‌دانند. معلمان و نهادهای صنفی آنها در دو دهه گذشته آرام‌آرام خواسته‌های صنفی خود را به خواسته‌هایی عمومی‌تر مانند درخواست بازگشت به آموزش رایگان، متوقف‌کردن پولی‌سازی در آموزش، توجه جدی به عدالت آموزشی و ایدئولوژی‌زدایی از آن، ساماندهی به مدرسه‌های فرسوده، توجه جدی به بازماندگی از تحصیل و... گره زده‌اند. شاید اکنون نوبتِ خانواده‌ها، جامعه و دیگر نهادهای مدنی باشد تا گامی پیش بگذارند و از چنین خواسته‌ها و البته درخواست‌های صنفی معلمان، که سرراست بر آموزش آینده‌سازان کشور مؤثر است، دفاع کنند. در جامعه‌ای مانند ایران تنها راه رسیدن به خواسته‌های مشروع اجتماعی، خواست عمومی و گسترش آن در لایه‌های گوناگون است.

یادداشت

احترام به قامت معلمی در اعتراضات صنفی

نرگس ملک‌زاده

جایگاه و اهمیت شغل معلمی به آن جهت است که حرفه‌ای است که آورده اجتماعی به همراه دارد و فقط از منظر اقتصادی به آن نگریسته نمی‌شود و بی‌دلیل نیست که تکریم معلم تکریم جامعه است. اینکه در جامعه‌ای زمینه ایجاد تغییرات فراهم شود و بستری تکامل یا حتی تغییر یابد بدون شک یکی از مکان‌هایی که می‌تواند مبدأ جریان‌سازی باشد، مدرسه است.

برای مدرسه خود به‌تنهایی نمی‌توان قابلیت اثرگذاری اجتماعی قائل بود، آنچه در روح مدرسه دمیده می‌شود، تعامل گروه همسالان با یکدیگر و در مرحله بعدی ارتباط معلم با دانش‌آموزان است. تصور کنید این زنجیر در مدرسه پیوند خورده و در جامعه زنجیرها به هم پیوسته شود، آیا می‌توان این همیت را گسست؟! پس درواقع معلمان با توجه به نوع نگاهشان می‌توانند یکی از جریان‌سازترین شغل‌ها در جهت تقویت یا تهدید برای اجتماعی باشند که در خدمت سیاست است.

با توجه به این اثرگذاری سال‌هاست که معلمان مورد بی‌مهری مسئولان قرار گرفته‌اند و البته هر جایی نیاز به حضورشان بود جایشان در لفظ و لغت بالای سر و در بقیه موارد از کم‌توجه‌ترین کارمندان دولت بوده‌اند و مصداق این بی‌مهری‌ها فراوان و بسیار عیان است.

در کنار سختی‌های ریز و درشت معلمی که در این سال‌ها کم هم نبوده است، معلمان جزء پیشروترین مشاغل در اعتراضات صنفی بوده‌اند. مبدأ شکل‌گیری این اعتراضات مشکلاتی است که گریبان نظام آموزشی ما را گرفته است، اعتراضات معقول و منطقی که وجود آنها نشان از دلواپسی معلمان نسبت به آینده کشور دارد. شاید نگاه بیرونی به این اعتراضات و تجمعات صنفی نگاه معیشت‌محور باشد اما کسانی که نزدیک‌تر پیگیر این مطالبه‌گری معلمان هستند به این یقین رسیده‌اند که در لیست خواسته‌های معلمان موارد دیگری نیز وجود دارد که منفعت از نظام آموزشی به سمت نظام اجتماعی ما گسیل شده است. توجه ویژه معلمان به کیفیت آموزشی سبب تمایز اعتراضات معلمان با دیگر اصناف شده است، پیشران‌بودن یکی از امیدواری‌های نظام آموزشی و به تبع آن نظام اجتماعی است.

روشن است که خواست معلم بدون توجه به خواسته‌های دانش‌آموزان و اولیا نیست. متأسفانه در این سال‌ها که کنشگری معلمان قوت گرفته است، به موازات گسترش این کنشگری، مواجهه و تقابل با آن، شدت گرفته است.

زیاده‌خواهی نیست اگر معلمان خواهان کاهش تقابل با مطالبه‌گری‌های صنفی خود باشند و بخواهند منطقی و در چارچوب، از قدرت خود بهره بگیرند نه اینکه قدرت، منطق آنها باشد و این منطق نادرست. خواست زیادی نیست که به اصل ۲۷ قانونی اساسی کشور یعنی «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است»، نگاه محدودکننده نداشته باشند.

اصل حمایت‌کننده قانون اساسی را با قوانین سخت‌گیرانه تفسیر نکند. امیدواری معلمان این است که نام و تقدیر از معلم فقط به یک روز محدود نشود و معلم همیشه در قامت معلمی مورد احترام قرار گیرد. بدون شک این شنوابودن مهم‌ترین خواسته همکاران از کابره‌دستان ناکاربلد است. عملکرد ناصواب به معلمان و کنشگری آنها شکاف اعتماد ترک‌خورده را بیشتر خواهد کرد و تلنگری آن را خواهد شکست که دیگر هیچ بندزنی توان بندزدن آن را نخواهد داشت. نیکوترین تقدیر از مقام و منزلت معلم زمانی است که قامت استوار معلمی در اعتراضات صنفی معلمان خمیده نشود که صدالبته خمیدگی در کار نیست، چون ریشه در خاک عمیق است.